

# جامعه‌ی مدنی از توهم تا واقعیت

نیما اصغرزاده

بر اثر تحولات عظیم و متعدد اجتماعی و دگرگونی بنیادین طبقات جامعه و جابه‌جایی قشرهای مختلف در مناسبات اجتماعی و به هم خوردن آرایش نیروهای اجتماعی و طبقاتی جامعه، دنیای تاریک عصر میانه فرو ریخت و جهان نوینی در جهت تجدد و تکامل پدید آمد. در این دنیای نوین روابط فئودالی میزنده جای خود را به روابط سرمایه‌داری بالنده و زایا داد. سپس از درون چنین مناسبات شکوفا که در مراحل اولیه‌ی رشد خویش خصلت‌های دموکراتیک داشت جامعه‌ی بورژوازی و نهادهای مدنی درون آن یا به عرصه گذارد و رو ساخت روابط اقتصادی جدیدی را در ستیز با نهادهای روبنایی جامعه‌ی فئودالی کهن شکل بخشید.

مباحثه‌ی جامعه‌ی مدنی در محافل راست و چپ - در معنای طبقاتی آن و نه به مفهوم غیرعلمی و مغشوش رایج مطبوعات - هم‌چنان مناقشه‌انگیز و ابهام‌زاست. مطابق عرف معمول جامعه این مقوله نیز از جانب راست از محتوای واقعی و تاریخی خود تهی شده و بی‌بهاگردیده است. که البته مورد خطاب این مقاله نیست. اما چپ نیز به جای پاسخ علمی و اقتناعی به این پدیده به لحاظ ضرورت زمانی آن، بدون توجه به ریشه‌ی مادی و شرایط پیدایی تاریخی آن در جوامع غربی به طور مکانیکی سی در انطباق صوری آن به جوامع سنت‌زده است.

در این میان آن‌چنان بازار این مباحث آشفته است که هم‌زمان دو مقاله با عنوان متفاوت جامعه‌ی مدنی یکی به اسم تالیف و دیگری به نام ترجمه در دو مجله در می‌آید که هشتاد درصد مطالب‌شان شبیه هم است، و عجیب‌تر آن که منابع تهیه‌ی هر دو مقاله یکسان است. شاید این هم نوعی مدنیت است. از طرف دیگر نویسنده‌ی چپ امریکایی میک سنتزود بدون توجه به محتوای طبقاتی و بورژوازی جامعه‌ی مدنی خواهان تداوم آن در جوامع سوسیالیستی مفروض می‌شود.

جامعه‌ی مدنی به مفهوم امروزی آن در مناسبات سرمایه‌داری پدید آمده است. مناسباتی که خود محصول تلاشی روابط فئودالی قرون وسطا است. جامعه‌ی مدنی یا به مفهوم طبقاتی و شفاف آن جامعه‌ی بورژوازی برآمده از درون جامعه‌ی طبقاتی نوین در شرایطی است که دولت مستقر نقش سنتی و فئودالی سرکوب مستقیم



شمارشدگان را از دست داده است و دیگر نهادهای اجتماعی حریم امتیازاتی طبقه‌ی پار و نمایندگان سیاسی و ایدئولوژیکی ارگانیک نیست. شکل استثمار عوض شده است و دیگر نه‌بوی سابق نمی‌توان شرایط ضدانسانی و مگرانه‌ی نظم موجود را حفظ کرد. در جامعه‌ی پرمه‌داری عموم افراد حق شرکت در فعالیت‌های منفی نهادهای مدنی موجود را دارند و از این طریق روابط طبقه‌ی نظم موجود را به طور دایم باز پدید می‌کنند. حقوق و آزادی‌های مدنی به دست مدنی جامعه‌ی مدنی مبتنی بر فرد است و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید را محترم می‌شمارد و آن را نفی می‌بخشد. جامعه‌ی مدنی به طرز سالم‌آمیز از طریق نهادهای مدنی جامعه پار و بورژوازی طبقه‌ی است و وظیفه‌ی تکمیلی دولت را در حفظ سلطه‌ی طبقه‌ی تداوم می‌بخشد. جامعه‌ی مدنی افکار عمومی جامعه را با ارزش‌های بورژوازی سلطه‌ی موافق می‌گرداند و با بازتولید شعور طبقه‌ی لایب جامعه که واقعیت‌های نظام موجود را واژگونه نکلس می‌دارد نقش به‌سزایی را در حفظ ارزش‌های جامعه‌ی مستقر ایفا می‌کند. در جوامع پیشرفته‌ی سرمایه‌داری که نهادهای جامعه‌ی مدنی به لحاظ گوناگونی وظایف گسترده است شکل‌های متعددی به خود می‌گیرند.

این نهادها که بر بستر خواست‌های گوناگون جامعه‌ی موجود شکل می‌گیرند در نهایت عمل فراتر از نظم موجود نمی‌روند و خواسته‌هایشان نیز محدود به رفم‌هایی است که شرایط را تلطیف نموده و آن را برای رنج‌دیدگان قابل تحمل سازد. در واقع می‌توان گفت که به نوعی ناخواسته میان هیئت حاکمه و نهادهای مدنی وفاق ملی در حفظ نظم موجود وجود دارد. البته این وفاق ملی ابدی نیست و در مقطع‌هایی از تاریخ که نظام سرمایه‌داری دچار بحران می‌شود بستگی به نوع و شکل بحران، شکاف میان کارکردهای نهادهای مدنی و سلطه‌ی طبقه‌ی دولت عمق می‌یابد.

در کشورهای پیش‌رفته‌ی سرمایه‌داری اروپا که مهد دموکراسی بورژوازی است حکومتگران و نمایندگان سیاسی شرکت‌های چندملیتی از لریق نهادهای مدنی که به ظاهر نمودی مستقل از دستگاه‌های دولت دارند و مقابل آن عمل می‌کنند هم‌مونی خود را بر افکار عمومی توده‌های ستمدیده‌ی میلیون‌ها عمل می‌کنند. از این رو تنها با بینش علمی و طبقه‌ی می‌توان از ورای چهره‌ی دموکراتیک و بزرگ‌شده‌ی جامعه‌ی مدنی آموزش‌های راست بورژوازی و ضدانسانی آن را تشخیص داد. گفته‌های فوق هرگز با این برداشت از جامعه‌ی مدنی تناقض ندارند که جامعه‌ی مدنی خود دارای دو جنبه‌ی اجتماعی منفی و مثبت است.

جنبه‌ی منفی آن پرده ساتر کشیدن بر سلطه‌ی طبقه‌ی جامعه بورژوازی و ابدی جلوه دادن آن و سرپوش نهادن بر اهرم‌های طبقه‌ی نظامی است که اقلیت توانگر را بر اکثریت فقیر و بی‌چیز حاکم می‌گرداند و منافع طبقه‌ی حاکم را منافع همگانی و عمومی جلوه می‌دهد.

نهادهای مدنی در شرایط حاد اجتماعی که چرخش نظم موجود دچار اختلال می‌شود مورد تعرض طبقه‌های مسلط قرار می‌گیرند چرا که در چنین وضعی نیروهای رادیکال‌تر اجتماعی نیز وارد عرصه‌ی جامعه‌ی مدنی می‌شوند و آن را نه در جهت حفظ آزادی‌های فردی و مالکیت خصوصی بل که در جهت آزادی‌های اجتماعی و مالکیت اجتماعی نیروهای مولده و تغییرات بنیادی روابط تولید سوق می‌دهند.

جنبه‌ی مثبت جامعه‌ی مدنی آن است که جامعه را از حالت انفعالی - اجتماعی بیرون می‌آورد و زمینه را برای شرکت اجتماعی همه‌ی قشرها و طبقه‌های جامعه - هرچند در چارچوب نظم موجود - فراهم می‌آورد. و این به نوبه‌ی خود در موقعیت‌های مناسب به فعالیت اجتماعی رادیکال‌تر دامن می‌زند. در واقع امر دفاع از فعالیت‌های اجتماعی - طبقه‌ی در جامعه‌ی مدنی را میسر می‌گرداند نه دفاع از جامعه‌ی مدنی را.

از آن جایی که رشد کمی و کیفی جامعه‌ی مدنی انطباق غیرمستقیم با روابط اقتصادی دارد، رشد عالی یا نازل نیروهای مولده و به تبع آن مناسبات تولیدی تأثیر شگرفی در رشد جامعه‌ی مدنی دارد. بنابراین تمام دولت‌های سرمایه‌داری جهان معاصر به نوعی جامعه‌ی مدنی خاص خودشان را دارند که به طریقی با هیئت حاکمه‌ی آنان توافق هم‌سازی دارد. حتا در برخی از کشورهای جهان جناح‌هایی از هیئت حاکمه خود به شکلی از جامعه‌ی مدنی مطابق با نظم موجود را دامن می‌زنند و به موقع نیز با استفاده از همان نهادهای مدنی افکار عمومی را در جهت بازتولید مناسبات اجتماعی مستقر سمت و سو می‌دهند.

سرنوشت فاجعه‌بار دولت انقلابی نیکاراگوا تفکر برانگیز و ذهن‌ساز است. دانسیل اورتگا رییس‌جمهور محبوب و برآمده از انقلاب خونین علیه ساموئیل خونخوار و نوکرسفت امپریالیسم امریکا در سال‌های اولیه‌ی انقلاب که شور سیاسی (نه شعور) بر ذهنیت توده‌ها حاکم است با آرای شگفت‌زای ۹۰ درصد بر حریفان خویش پیروز می‌شود، ولی به دلیل ناتوانی در ایجاد روابط اقتصادی جدید و به تبع آن نهادهای مدنی ویژه‌ی آن روابط، در انتخابات سال‌های بعد ۲۴ درصد رای می‌آورد و شکست سنگینی را از جانب کسانی می‌خورد که از طریق انقلاب مسلحانه بر آنان پیروز شده بود.

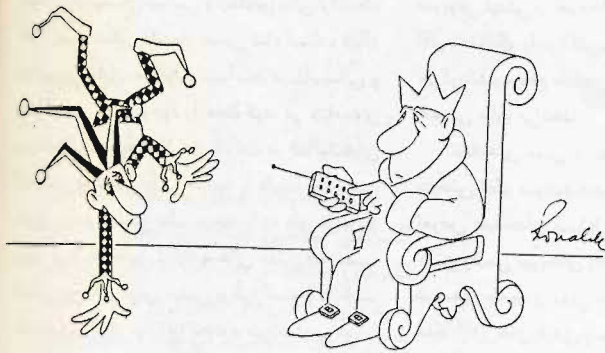
## ● جنبه‌ی مثبت جامعه‌ی مدنی آن است که جامعه را از حالت انفعالی - اجتماعی بیرون می‌آورد و زمینه را برای شرکت اجتماعی همه‌ی قشرها و طبقه‌های جامعه - هرچند در چارچوب نظم موجود - فراهم می‌آورد.

در مجموعه‌ی عامل‌هایی که باعث پیروزی اورتگا و سپس شکست او می‌شود آن‌چه که به آن بها و ارزش واقعی داده نمی‌شود جامعه‌ی مدنی و نقش برجسته‌ی آن در سازماندهی افکار عمومی توده‌ها در انتخابات است. با تاسف گروهی به جای تجزیه و تحلیل علمی مسایل اتفاق افتاده در نیکاراگوا، شادی سر می‌دهند که دیدید اورتگا چه قدر به دموکراسی پای‌بند بود. و شکست اورتگا را به زعم خویش پیروزی چپ در میدان مشق دموکراسی و در وفاداری به آن ارزیابی می‌کنند و بدون توجه به مضمون طبقه‌ی دموکراسی فوق مسئله را تئوریزه می‌کنند. پس در این میان آن‌چه مورد غفلت واقع شده نقش موثر و اساسی نهادهای مدنی درون جامعه‌ی مدنی در شکست اورتگا و پیروزی بازماندگان حاکمان سابق (کدام جناح‌اش مهم نیست) است، به خصوص نهاد مدنی‌ای که یکی از سردمداران آن کارتر (نماینده‌ی سیاسی امپریالیسم امریکا) بوده باشد.

اما در این میان آن‌چه باعث حیرت است سخنان نویسنده‌ای است که قبلاً روشن فکر عصر روشنگری دنیای تاریک ایران را بدون توجه به تقسیمات بعد زمان و مکان با جسارت غیرعلمی به شلاق انتقاد گرفته بود و اینک لونی آنتوسر فرانسوی را که عمری در مهد جامعه‌ی مدنی اروپا نهادهای مدنی را با تجزیه و تحلیل علمی - طبقه‌ی به تجربه نشسته است بدون حرمت داشت تحقیقات بردامنه‌ی علمی - اجتماعی او برای توجیه کم دانشی خود در مباحث مورد نظر ناصداقانه به باد طعن می‌گیرد.



دکتر رونالدو کنهادیاز/برزیل  
Ronaldo Conhadias

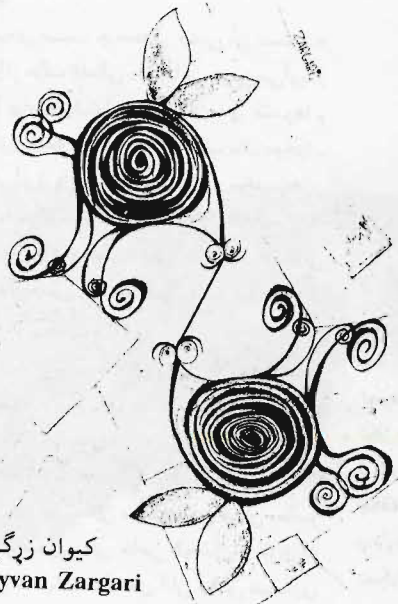
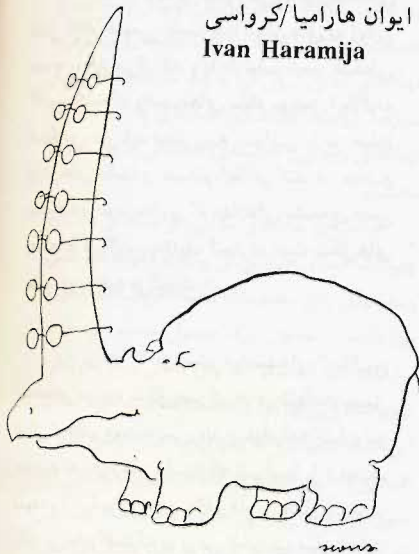


هم (مثل چهار دوره‌ی قبل) به ارتباط سریع با مخاطبان مان بنازیم، با این تفاوت که این دوره سه هم‌قطار خارجی را نیز در غم خود شریک کرده‌یم!! آن هم تحت عنوان: پنجمین نمایشگاه نیمه‌جهانی گروه فانوس، در مدت زمان: ۴ تا ۱۱ بهمن ۷۶ و در مکان: گالری لاله.

چشمان حقیقت‌جویان را به گوشه‌ای از آثار فانوس پنجم دعوت می‌کنیم، لطفاً میل بفرمایید.  
\* از مقدمه‌ی گروه فانوس / ماهنامه‌ی فیلم - شماره ۲۰۰ - ص ۲۳۱.

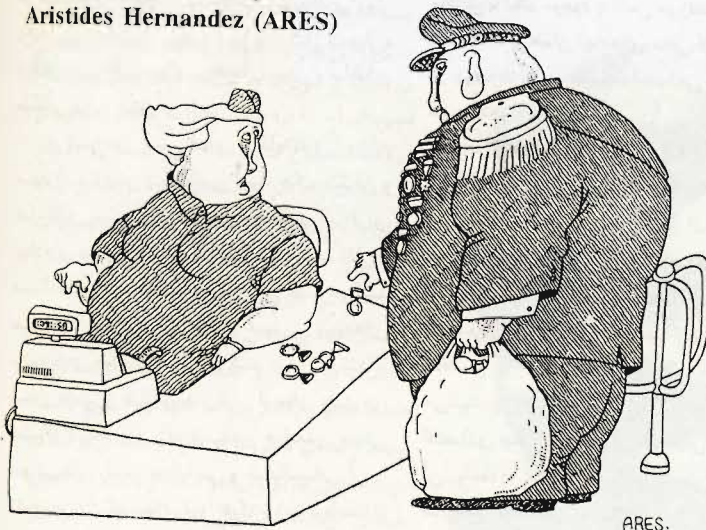
«... چند سالی است که متولد شده‌ایم، هفت ماهه به دنیا آمدیم، مثل همه آمدیم. با این تفاوت که بند ناف مان به هیچ‌جا وصل نبود. کسی از به دنیا آمدن مان خوشحال نشد، کسی چشم‌روشنی نیاورد، حتی خبر عجیب تولد مان را کسی به کسی نگفت و کسی هم درج نکرد! به هر حال خودمان به خودمان خوش آمد گفتیم و هدف را بر این گذاشتیم که کاریکاتور را اعتلا بخشیم...»  
چندی پیش برای بار پنجم، جیب‌مان را از محتویات زیبا و دوست‌داشتنی‌اش خالی کردیم تا باز

ایوان هارامیا/کرواسی  
Ivan Haramija



کیوان زرگری  
Keyvan Zargari

دکتر آریستیدس هرناندز/کوبا  
Aristides Hernandez (ARES)



ARES.

5th Fanous, Cartoon Group Exhibition.

فانوس پنجم

حسن کریم زاده

هنری



کریست هوریان  
Christ Hovian

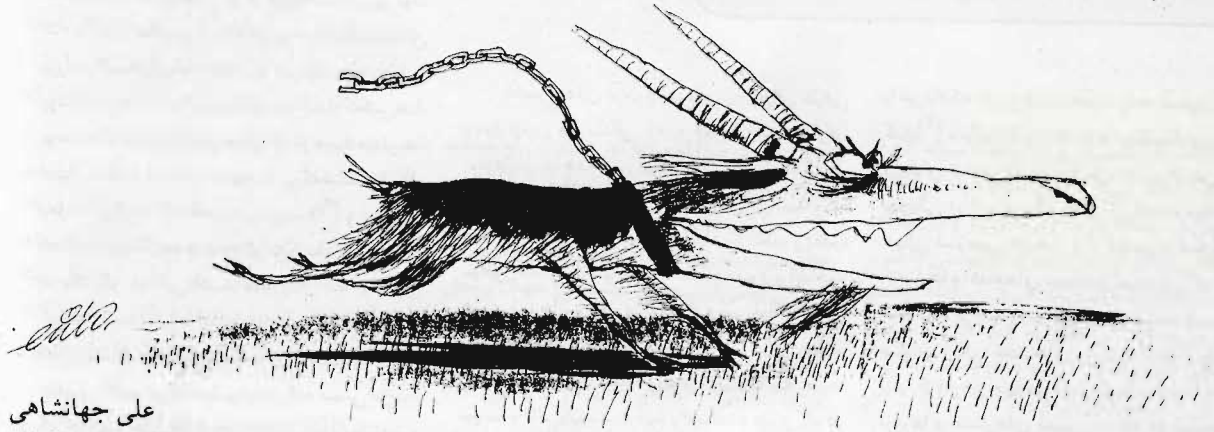
CHRIST  
#511854



مهدی کریمزاده  
Mahdi Karimzadeh



توکا نیستانی  
Tonka Neyestani



علی جهانشاهی  
Ali Jahanshahi

حسن کریمزاده  
Hassan Karimzadeh



فرهنگ توسعه □ شماره سی و دوم / ۷۱

مانا نیستانی  
Mana Neyestani

